

مدیریت سود افزایشی، حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه

رضیه علی خانی^۱، مهدی مران جوری^۲، سیده فاطمه سید زاده^۳

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۱۳

چسبندگی هزینه در پژوهش‌های حسابداری و اقتصاد از اهمیت فراوانی برخوردار است و متون علمی نشان داده‌اند که چسبندگی هزینه را نمی‌توان از انگیزه‌های مدیریتی مجزا در نظر گرفت. در این تحقیق تأثیر مدیریت سود افزایشی بر چسبندگی هزینه، حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه و همچنین تأثیرات متقابل مدیریت سود و حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه مورد بررسی قرار می‌گیرد. نمونه آماری پژوهش شامل ۹۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار اقتصادسنجی Eviews و از مدل رگرسیون خطی چند متغیره برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که مدیریت سود افزایشی و حاکمیت شرکتی، چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهد. همچنین اثر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود افزایشی منجر به کاهش چسبندگی هزینه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود افزایشی، حاکمیت شرکتی، چسبندگی هزینه.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

کد DOI: 10.22051/ijar.2017.10622.1158

^۱ استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، (نویسنده مسئول)، (Alikhani_r2@yahoo.com)

^۲ استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس (Mr.maranjory@gmail.com)

^۳ کارشناس ارشد حسابداری، (F_seiyedzadeh@yahoo.com)

مقدمه

شناخت رفتار هزینه، یکی از مباحث مهم در تصمیم‌گیری مدیران است. زمانی که مدیران با کاهش فروش مواجه می‌شوند، ممکن است این وضعیت را موقتی تصور کرده و انتظار بازگشت فروش به حالت اولیه را داشته باشند. از این رو برخی از مدیران در دوره‌هایی که فروش روند نزولی دارد، منابع لازم برای انجام فعالیت‌های عملیاتی را کاهش نمی‌دهند. به عبارتی مدیران برای کاهش هزینه‌ها و در نتیجه افزایش سود شرکت در بلندمدت اقدام به حفظ منابع می‌کنند (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳). مدیران می‌توانند با توجه به حساسیت تغییرات هزینه به کاهش فروش، سهم هزینه‌های چسبنده از کل هزینه‌ها را ارزیابی کرده و در صورت لزوم با تجدیدنظر در قراردادهای شرکت، حساسیت هزینه‌ها نسبت به حجم فروش را افزایش دهند و از این طریق موجب کاهش هزینه‌های تعدیل منابع شوند (کردستانی و مرتضوی، ۱۳۹۱). برخی از محققین از قبیل اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) و نمازی و همکاران (۱۳۹۱) نشان می‌دهند که شدت کاهش هزینه‌ها بر اثر کاهش حجم فعالیت، کمتر از شدت افزایش هزینه‌ها بر اثر افزایش حجم فعالیت است. به این نوع رفتار هزینه‌ها، رفتار چسبنده گفته می‌شود.

مطابق استدلال اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) چسبندگی هزینه‌ها به این علت رخ می‌دهد که مدیران، منابع مرتبط با فعالیت‌های عملیاتی را به طور سنجیده تعدیل می‌کنند. زمانیکه مدیران، کاهش فروش را موقتی پیش‌بینی کرده و انتظار بازگشت فروش به سطح قبلی را دارند، حذف منابع متناسب با کاهش فروش و تحصیل مجدد آن در آینده، به افزایش هزینه‌ها و در نتیجه کاهش سود در بلندمدت منجر می‌شود. در مقابل، با وجود آنکه حفظ منابع اضافی در دوره‌های کاهش فروش، به تحمل هزینه‌های بیشتر و در نتیجه، کاهش سود دوره جاری منجر می‌شود، موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش سود در بلندمدت می‌شود. علاوه بر این، اگر مدیران منابع مرتبط با فعالیت‌های عملیاتی را متناسب با کاهش فروش، کاهش دهند، تحصیل و آماده‌سازی مجدد منابع در آینده، نیازمند زمان است. بنابراین چنانچه منابع و در نتیجه، هزینه‌ها متناسب با کاهش فروش کاهش یابد، شرکت فرصت‌های توسعه فروش را از دست می‌دهد؛ زیرا نمی‌تواند منابع لازم برای گسترش فروش را با سرعت کافی به منظور استفاده از فرصت‌ها به خدمت بگیرد. به همین علت، مدیران ناگزیرند برای انتخاب یکی از گزینه‌های کاهش هزینه‌ها از طریق حذف منابع یا تحمل هزینه‌های بیشتر برای بهره‌برداری کامل از

افزایش فروش آتی تصمیم‌گیری کنند. یکی از اساسی‌ترین علل چسبندگی هزینه‌ها، تصمیمات سنجیده مدیرانی است که می‌کوشند با توجه به پیش‌بینی فروش آتی، سود را در بلندمدت افزایش دهند (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳).

طبق بررسی‌های انجام شده توسط کالجا و همکاران (۲۰۰۶)، بنکر و چن (۲۰۰۶) و چن و همکاران (۲۰۰۸)، یکی از دلایل احتمالی چسبندگی هزینه‌ها، انگیزه‌های شخصی مدیران یا مدیریت سود است که از رابطه نمایندگی ناشی می‌شود. طبق رابطه نمایندگی، مالکین مدیران را مأمور اجرای عملیات شرکت کرده و در همین راستا، اختیار اتخاذ برخی تصمیمات را نیز به وی تفویض می‌نمایند. با برقراری رابطه نمایندگی، هر یک از طرفین رابطه به دنبال حداکثر کردن منافع شخصی خویش می‌باشند و از آنجا که تابع مطلوبیت مدیران با مالکان یکسان نیست، بین آنها تضاد منافع به وجود می‌آید. این رفتار فرصت طلبانه مدیران، مشکلات نمایندگی و هزینه‌های نمایندگی را افزایش می‌دهد که استقرار سیستم حاکمیت شرکتی، در راستای کنترل و کاهش این مشکلات و هزینه‌ها صورت می‌گیرد. به عبارتی جهت پیشگیری از مدیریت سود در شرکت که ناشی از دلایل شخصی مدیران بوده، استقرار حاکمیت شرکتی در سیستم شرکت الزامی می‌گردد (صفرزاده، ۱۳۹۳). همچنین از آنجا که هزینه‌های عمومی، اداری و فروش بخش مهمی از هزینه‌های عملیاتی شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد، مدیران در زمان افزایش فروش، علاقه مند به افزایش سریع هزینه‌های عمومی، اداری و فروش و در زمان کاهش فروش، علاقه مند به کاهش بسیار آهسته این هزینه‌ها هستند. لازم به ذکر است تفاوت هزینه بین افزایش و کاهش فروش، نشان دهنده حفظ منابع استفاده نشده توسط مدیریت است. بنابراین هنگامی که سطح فروش تحقق یافته نسبت به دوره قبل کاهش می‌یابد، مدیران برای کاهش هزینه‌های تعدیل شده (تحصیل و آماده سازی دوباره منابع در آینده و از دست دادن فرصت‌های توسعه فروش در آینده)، منابع استفاده نشده را حفظ می‌کنند. نتیجه آن که در زمان کاهش فروش، هزینه‌ها نشان دهنده منابع مورد نیاز نسبت به سطح فروش جاری به اضافه منابع استفاده نشده است. در مقابل زمانی که سطح فروش افزایش می‌یابد، مدیران جهت پاسخگویی به افزایش تقاضا، منابع استفاده شده را افزایش می‌دهند. در نتیجه مدیران به سبب این که هزینه تنها منعکس کننده منابع مورد نیاز است، منابع غیر ضروری به دست نمی‌آورند و سطح هزینه‌ها زمانی که فروش کاهش می‌یابد (نسبت به زمانی که به همان مقدار افزایش می‌یابد)، افزایش

می یابد که سبب کاهش سطح سود می شود (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۴). این رفتار مدیریت به کاهش یا افزایش هزینه، تأثیر شگفت‌انگیزی در سود شرکت دارد، زیرا سرمایه‌گذاران همواره به دنبال کسب حداکثر سود هستند و مدیران از این حربه استفاده و اقدام به حداکثرسازی سود در صورت‌های مالی می‌کنند. بنابراین، آگاهی از چگونگی رفتار هزینه‌ها نسبت به تغییرات سطح فعالیت و یا سطح فروش از اطلاعات مهم برای تصمیم‌گیری مدیران در مدیریت سود است. ولی این رفتار، سبب تغییر چسبندگی هزینه‌ها از سطح مطلوب خواهد شد. این پدیده، احتمالاً به ارتباط مثبت بین مدیریت سود و میزان چسبندگی هزینه‌ها منجر خواهد شد و از آنجا که سیستم‌های حاکمیت شرکتی در راستای کاهش مدیریت سود طراحی و اجرا می‌شوند، انتظار می‌رود هر چه سیستم‌های حاکمیت شرکتی قویتر باشد، ارتباط مثبت بین مدیریت سود و میزان چسبندگی هزینه‌ها کم‌رنگ‌تر شود (کوو و همکاران، ۲۰۱۵).

استنباط مدیریتی از آگاهی رفتار هزینه‌ها این است که چسبندگی هزینه‌ها، قابل تشخیص و کنترل است. مدیران باید از طریق توجه به حساسیت تغییرات هزینه به نسبت تغییرات حجم فعالیت، دلیل خود را برای چسبندگی ارزیابی و ظرفیت واکنش شرکت را در برابر کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات افزایش دهند. این امر به بهبود فرآیند پاسخگویی کمک می‌کند و علاوه بر آن مشخص کردن چسبندگی هزینه‌ها، صاحبان شرکت را قادر می‌سازد تا این مساله که آیا مدیران باعث ایجاد هزینه برای بنگاه می‌شوند یا خیر؟ را تحلیل نمایند (نمازی و همکاران، ۱۳۹۱). به علت حفظ منابع بلااستفاده در دوره‌های کاهش فروش، چسبندگی هزینه‌ها موجب افزایش هزینه‌ها و کاهش بیشتر سود می‌شود و کاهش مضاعف سود، نوسان‌پذیری سود پیش‌بینی شده را افزایش می‌دهد. بنابراین در دوره‌های افزایش سطح فعالیت، تحلیل‌گران، سود شرکتی را که هزینه‌های آن چسبنده است، کمتر پیش‌بینی می‌کنند. به همین علت، خطای پیش‌بینی سود، هنگام کاهش سطح فعالیت، بیشتر خواهد بود (ویس، ۲۰۱۰). زمانی که فروش کاهش می‌یابد، مدیران تحت فشار ناشی از گزارش صحیح اطلاعات مربوط به سود ترجیح می‌دهند هزینه‌ها را کاهش دهند. از آنجایی که مدیریت سود افزایشی (مدیریت سودی که باعث افزایش سود می‌شود) برای مدیران فشار مضاعفی ایجاد می‌کند، بنابراین آنها به منظور توسعه طولانی مدت شرکت خود هزینه‌ها را از طرق مختلفی کاهش می‌دهند (کوو و همکاران، ۲۰۱۵). مشوق‌ها یا انگیزه‌های مدیریت سود در مقایسه با حاکمیت شرکتی اثرات مشخص‌تری بر کاهش

چسبندگی هزینه می‌گذارند. بنابراین این واقعیت تداعی می‌شود که مدیریت سود اتخاذ شده توسط مدیران دارای اثر مستقیمی بر تصمیمات مربوط به هزینه‌های جاری است، و این در حالی است که حاکمیت شرکتی دارای اثر غیر مستقیم می‌باشد (زیو و هانگ، ۲۰۱۵). به عبارتی حاکمیت شرکتی می‌تواند محیط منظم و ساختار منسجمی را برای شرکت‌ها بوجود آورد و فرصت طلبی مدیریتی را محدود سازد. در این تحقیق مساله این است که چه روابطی بین مدیریت سود افزایشی، حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه وجود دارد. همچنین تاثیر متقابل مدیریت سود افزایشی و حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

زیو و هانگ (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی رابطه میان مدیریت سود و حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر چسبندگی هزینه پرداختند. آنها با تقسیم هزینه‌ها به تحقیق و توسعه، تبلیغات و سایر هزینه‌های کلی دریافتند که مدیران، هزینه‌ها را با کاهش هزینه‌های کلی کنترل می‌نمایند. در ضمن تأثیر حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه را نیز مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که حاکمیت شرکتی مناسب می‌تواند چسبندگی هزینه را کاهش دهد، هر چند تأثیر آن به اندازه مدیریت سود نیست.

کوو و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی ارتباط بین مدیریت سود و چسبندگی هزینه پرداختند. آنها در این پژوهش تأثیرات مشوق‌های مدیریت سود بر چسبندگی هزینه‌های اداری، عمومی و فروش را مورد بررسی قرار دادند. در ابتدا نشان دادند که رفتار هزینه برای شرکت‌هایی با مدیریت سود مشکوک و شرکت‌هایی که مدیریت سود غیرمشکوک دارند، متفاوت است. به خصوص اینکه شرکت‌های با مدیریت سود مشکوک زمانی که با افت فروش مواجه می‌شوند، چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهند. این نتایج احتمالاً به این دلیل است که مدیران به طور جسورانه‌ای به منظور مدیریت سود هزینه‌ها را می‌شکنند و یا خود را برای زمان‌های بدی که با افت فروش مواجه می‌شوند، آماده می‌کنند.

ونریس و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی ارتباط بین سرمایه سازمان و رفتار چسبندگی فروش و هزینه‌های اداری و عمومی پرداختند. آنها در این پژوهش بررسی کردند که چگونه دیدگاه یک شرکت در خصوص از خود گذشتگی‌های مربوط به اقتصاد نامشهود بر چسبندگی فروش

و هزینه‌های اداری و عمومی اثرگذار است. پدیده چسبندگی بهای تمام شده (هزینه) یک الگوی جایگزین رفتار هزینه بوده که نقش آشکاری را در تصمیمات آگاهانه و متعهدانه مدیریتی ایفا می‌کند. آن‌ها گمان می‌کردند که در افت فروش، شرکت‌هایی که دارای دارایی‌های نامشهود زیادی هستند باعث افزایش رکود منابع بلااستفاده می‌شوند که بسیار بیشتر از شرکت‌هایی با سطح کمتر دارایی‌های نامشهود می‌باشد، زیرا سطح بالای سرمایه‌گذاری‌های نامشهود، سطح هزینه‌های تعدیل شده را افزایش داده و مدیران را به ارائه پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه سوق می‌دهد و این مطلب را در نظر می‌گیرد که آیا رشد فروش آینده باعث جذب رکود منابع بلااستفاده خواهد گردید؟ محققین سطح سرمایه‌سازمان را به عنوان متغیر شدت سرمایه‌گذاری نامشهود در نظر گرفتند، تا بدین وسیله ارتباط میان رفتار هزینه (بهای تمام شد) و هزینه‌های اداری و عمومی و سرمایه‌گذاری‌های نامشهود را بررسی نمایند. یافته‌های تجربی نشان داد که چنانچه سرمایه یک سازمان بالا (پایین) باشد، هزینه‌های اداری و هزینه‌های عمومی رفتار چسبنده (ضدچسبندگی) را نشان می‌دهند.

لاتریدیس (۲۰۱۵) در مطالعه نوع دوستی در بازار سهام آمریکا: شواهدی بر حاکمیت شرکتی، رابطه ارزشی و دستکاری سود را مورد بررسی قرار داد. او در این پژوهش شاخص‌های مالی مربوط به نوع دوستی شرکتی را که نشأت گرفته از انگیزه بنگاه‌داری و برای کمک‌های شرکتی می‌باشد، را بررسی نمود. یافته‌ها نشان داد که پذیرش اقدامات نوع دوست‌گرایانه، باعث تشویق کمک‌های شرکتی می‌شود. اعمال نفوذ و نظارت شرکتی می‌تواند تمایل به کمک‌های شرکتی را کاهش دهد. شرکت‌هایی که تغییرات مدیریتی را تجربه می‌کنند به دلیل اینکه زیر ذره‌بین افکار عمومی هستند، بیشتر تمایل به کمک‌های شرکتی دارند.

ینگزو و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای به بررسی پژوهش‌های تجربی در مورد رفتار چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های سازنده چینی پرداختند. آن‌ها وجود چسبندگی هزینه در بهای تمام شده کل، هزینه‌های اجرایی، هزینه‌های فروش و نظارتی را مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها با تحلیل و بررسی داده‌های حسابداری در خلال سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ و از ۱۱۹۲ شرکت چینی که دارای سهام A هستند، دریافتند که بهای تمام شده کل، هزینه‌های اجرایی، هزینه‌های نظارتی و عمومی همگی دارای چسبندگی هستند؛ هزینه‌های فروش دارای حالت ضدچسبندگی

است و چسبندگی هزینه در دوره بعدی به صورت معکوس خواهد بود، اما اینکه ممکن است در بازه زمانی زیاد و طولانی با نزول مواجه شود، چندان آشکار نیست.

شویی و لی جون (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای نفع شخصی مدیریتی، نظارت هیأت مدیره و چسبندگی هزینه را بررسی کردند. آن‌ها با تحلیل اطلاعات حسابداری از ۷۴۰ شرکت تولیدی در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ پی بردند که هزینه‌های عملیاتی و اداری در پاسخ به تغییرات، درآمد چسبنده را نشان می‌دهند. هزینه‌های عملیاتی و اداری با میانگین تقریبی ۰/۵۸۶٪ در هر ۱٪ درآمد صعودی، افزایش را نشان می‌دهد، در حالی که این میزان تنها ۰/۴۱۱٪ در هر ۱٪ درآمد نزولی، کاهش را نشان می‌دهد. میان رفتار مبتنی بر نفع شخصی مدیریتی و میزان چسبندگی هزینه‌های عملیاتی و اداری یک رابطه مثبت وجود دارد. ضریب همبستگی مدیر عامل و انفصال رئیس بسیار مثبت است و می‌تواند میزان هزینه‌های عملیاتی و اداری را کاهش دهد. همچنین میان مدیران مستقل و میزان هزینه‌های عملیاتی و اداری رابطه منفی و میان اندازه هیأت مدیره و میزان چسبندگی هزینه‌های عملیاتی و اداری یک رابطه مثبت وجود دارد.

چن و همکاران (۲۰۰۸) رابطه انگیزه‌های مدیران و حاکمیت شرکتی را با رفتار نامتقارن هزینه‌های فروش، عمومی و اداری بررسی کردند. نتایج آنها نشان داد که عدم تقارن هزینه با جریان‌های نقدی آزاد، رابطه مثبت و با حاکمیت شرکتی رابطه منفی دارد و این رابطه منفی در صورت وجود انگیزه‌های مدیریتی تشدید می‌شود.

کردستانی و مرتضوی (۱۳۹۱) به بررسی ارتباط بین تأثیرات تصمیمات سنجیده مدیران بر چسبندگی هزینه‌ها پرداختند. مطابق یکی از فرضیه‌های ارائه شده، علت چسبندگی هزینه‌ها تصمیمات سنجیده مدیران است. در این پژوهش از پیش بینی فروش توسط مدیریت به عنوان نشانه انتظارات مدیریت استفاده شده و فرضیه تصمیمات سنجیده در مورد بهای تمام شده فروش و هزینه‌های فروش، عمومی و اداری، ۱۸۶ شرکت در طول سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ به طور تجربی آزمون گردید. نتایج نشان داد، انتظار افزایش فروش آتی توسط مدیریت، موجب کاهش چسبندگی بهای تمام شده فروش می‌شود و هرچه این خوشبینی بیشتر باشد، چسبندگی بهای تمام شده فروش بیشتر کاهش می‌یابد؛ اما خوشبینی مدیریت، چسبندگی هزینه‌های فروش، عمومی و اداری را افزایش می‌دهد و چسبندگی این هزینه‌ها در صورت خوشبینی

زیاد مدیریت، بیشتر از حالت خوشبینی کم است که شواهدی قوی از تأیید فرضیه تصمیمات سنجیده در مورد هزینه‌های فروش، عمومی و اداری محسوب می‌شود.

زنجیردار و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی چسبندگی هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و همچنین بهای تمام شده کالای فروش رفته پرداخته و تأثیر ویژگی‌های مختلف شرکت‌ها مانند تعداد کارکنان، دارایی‌های جاری، دارایی‌های ثابت و بدهی‌های شرکت بر شدت چسبندگی هزینه‌ها را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و همچنین بهای تمام شده کالای فروش رفته چسبنده هستند و شدت چسبندگی در بهای تمام شده کالای فروش رفته بسیار بالا است. همچنین شاخص‌هایی مانند تعداد کارکنان، میزان دارایی جاری شرکت و نسبت بدهی بر شدت چسبندگی هزینه اداری عمومی و فروش و بهای تمام شده کالای فروش رفته، تأثیر می‌گذارد.

جبارزاده و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تأثیر مسئله نمایندگی را بر رفتار نامتقارن هزینه‌های اداری، عمومی و فروش (چسبندگی هزینه‌ها) در کنار متغیرهای اقتصادی و طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد جریان نقد آزاد، دوره تصدی مدیر عامل، افق مدیر عامل و پاداش پرداختی به مدیر عامل، عوامل موثر در چسبندگی هزینه‌های اداری، عمومی و فروش شرکت‌های بورسی نمی‌باشند.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تجربی، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر می‌باشد.

فرضیه ۱: مدیریت سود افزایشی بر چسبندگی هزینه تأثیر منفی دارد.

فرضیه ۲: حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه تأثیر منفی دارد.

فرضیه ۳: اثر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود افزایشی منجر به تعدیل چسبندگی هزینه می‌شود.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر هدف کاربردی است، زیرا نتایج حاصل از آن می‌تواند مورد استفاده کلیه ذی‌نفعان قرار گیرد و با توجه به تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته، از نوع پس‌رویدادی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و

قلمرو زمانی تحقیق از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ می‌باشد. به منظور نمونه‌گیری از روش هدفمند حذف سیستماتیک استفاده شده است. بدین منظور کلیه شرکت‌های جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده‌اند به عنوان نمونه انتخاب و بقیه حذف شده‌اند.

۱. به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی آنها 29 اسفند ماه باشد.

۲. جزء شرکت‌های مالی (مثل بانک‌ها، موسسات بیمه) و شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشند.

۳. در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشد.

۴. اطلاعات مربوط به متغیرهای تحقیق در دسترس باشد.

با توجه به محدودیت‌های اعمال شده از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۹۲ شرکت انتخاب گردید. در این تحقیق داده‌ها با استفاده از نرم افزار Excel آماده و سپس با استفاده از نرم افزار Eviews تجزیه و تحلیل انجام شده است.

مدل و متغیرهای تحقیق

فرضیه اول بیان می‌کند که مدیریت سود افزایشی بر چسبندگی هزینه تاثیر منفی دارد. انتظار می‌رود در مدل زیر در صورت تایید فرضیه β_3 منفی باشد (زیو و هانگ، ۲۰۱۵).

مدل (۱)

$$\log\left(\frac{SGA_t}{SGA_{t-1}}\right) = \beta + \beta_1 \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_2 DUM \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_3 EM \times DUM \\ \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_4 DUM \times CAPR \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_5 DUM \times QTOBIN \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \varepsilon$$

متغیر وابسته:

$$\log\left(\frac{SGA_t}{SGA_{t-1}}\right) = \text{معیار چسبندگی هزینه}$$

$$SGA_t = \text{کل هزینه‌های عملیاتی و اداری}$$

متغیرهای مستقل:

$$REV_t = \text{لگاریتم طبیعی درآمد}$$

DUM = متغیر دامی، اگر REV کاهش یابد یعنی درآمد سال جاری نسبت به درآمد سال گذشته کاهش یابد، به آن عدد ۱ داده می شود و در غیر اینصورت صفر داده می شود (به عبارتی چنانچه درآمد سال جاری نسبت به درآمد سال گذشته افزایش یابد به آن عدد صفر داده می شود و در غیر اینصورت ۱ داده می شود).

EM: شاخص مدیریت سود که از باقیمانده های مدل تعدیل شده جونز به دست می آید.

مدل جونز برای اندازه گیری مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی به شرح زیر می باشد:

$$ACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 (REV_{it} - REC_{it}) + \beta_2 PPE_{it} + \beta_3 i_{i,t}$$

که در آن:

ACC_i: مجموع ارقام تعهدی،

REV: تغییر در درآمد،

REC: تغییر در خالص حسابهای دریافتی،

PPE: ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات می باشد.

باقیمانده مدل (i,t)، ارقام تعهدی اختیاری و نشان دهنده تقریبی از مدیریت سود (EM) است.

متغیرهای کنترلی:

CAPR = از تقسیم خالص ارزش دارایی های ثابت بر درآمد عملیاتی شرکت بدست می آید.

QTOBIN = از جمع ارزش بازار حقوق صاحبان و ارزش دفتری بدهی ها بر کل دارایی ها

بدست می آید.

فرضیه دوم بیان می دارد که حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه تاثیر منفی دارد. برای

آزمون فرضیه دوم از مدل (۲) استفاده می شود. انتظار می رود که حاکمیت شرکتی چسبندگی

هزینه را کاهش دهد. بنابراین انتظار می رود برای تأیید فرضیه دوم β_3 تا β_7 منفی باشد (زیو و

هانگ، ۲۰۱۵).

مدل (۲)

$$\begin{aligned} \log\left(\frac{SGA_t}{SGA_{t-1}}\right) = & \beta + \beta_1 \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_2 DUM \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_3 EM \times DUM \times FACT1 \\ & \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_4 DUM \times FACT2 \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_5 DUM \times FACT3 \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) \\ & + \beta_6 DUM \times FACT4 \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_7 DUM \times FACT5 \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) \\ & + \beta_8 DUM \times CAR \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_9 DUM \times QTOBIN \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \varepsilon \end{aligned}$$

متغیرهایی که حاکمیت شرکتی را اندازه‌گیری می‌نمایند، عبارتند از:

FACT1: تمرکز مالکیت، درصد سهام در دست بزرگترین سهامدار،

FACT 2: تعداد اعضای غیر موظف هیأت‌مدیره،

FACT 3: درصد سهام در دست سهامداران نهادی،

FACT4: اندازه هیأت‌مدیره، تعداد اعضای هیأت‌مدیره،

FACT 5: تفکیک مدیر عامل، اگر رئیس هیأت‌مدیره و مدیر عامل دو فرد متفاوت باشند

عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد صفر داده می‌شود.

فرضیه سوم بیان می‌دارد که اثر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود افزایشی منجر به تعدیل چسبندگی هزینه می‌شود. برای آزمون این فرضیه، متغیر مدیریت سود به مدل (۲) اضافه شده و تأثیر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود بر چسبندگی هزینه سنجیده می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود در صورت تایید فرضیه سوم β_3 تا β_7 در مدل (۳) منفی باشد (زیو و هانگ، ۲۰۱۵).

$$\begin{aligned} \log\left(\frac{SGA_t}{SGA_{t-1}}\right) = & \beta + \beta_1 \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_2 DUM \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_3 EM \times DUM \times EM \times FACT1 \\ & \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_4 DUM \times EM \times FACT2 \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_5 DUM \times EM \times FACT3 \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) \\ & + \beta_6 DUM \times EM \times FACT4 \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_7 DUM \times EM \times FACT5 \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) \\ & + \beta_8 DUM \times CAPR \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_9 DUM \times QTOBIN \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \varepsilon \end{aligned}$$

آزمون فروض کلاسیک رگرسیون

قبل از برآزش مدل‌های فوق، فروض کلاسیک رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش به منظور برآورد ناهمسانی واریانس از آزمون وایت و برای بررسی نرمال بودن متغیر وابسته و نرمال بودن توزیع خطاها از آماره جارکوبرا استفاده شده است.

نگاره (۱): نتایج فروض کلاسیک

آزمون جارک برا و آزمون وایت			
نتیجه	مقدار احتمال	آزمون	
نرمال	۰/۱۰۲	جارک برا (نرمال بودن توزیع خطاها)	مدل (۱)
عدم وجود ناهمسانی واریانس	۰/۱۵۹	آزمون وایت	
نرمال	۰/۲۰۱۴	جارک برا (نرمال بودن متغیر وابسته)	
نرمال	۰/۰۹۲	جارک برا (نرمال بودن توزیع خطاها)	مدل (۲)
عدم وجود ناهمسانی واریانس	۰/۱۷۴	آزمون وایت	
نرمال	۰/۱۸۵	جارک برا (نرمال بودن متغیر وابسته)	
نرمال	۰/۰۸۵	جارک برا (نرمال بودن توزیع خطاها)	مدل (۳)
عدم وجود ناهمسانی واریانس	۰/۲۳۴	آزمون وایت	
نرمال	۰/۲۱۴	جارک برا (نرمال بودن متغیر وابسته)	

با توجه به نگراره فوق از آنجایی که سطح معناداری آماره جارک- برا برای هر سه مدل بیشتر از ۰.۰۵ است، فرضیه H_0 تأیید شده و با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت توزیع خطاها در مدل رگرسیونی و متغیر وابسته از توزیع نرمال برخوردار است. همچنین نتایج حاصل از آزمون وایت نشان دهنده این است که آماره F مدل رگرسیونی پژوهش در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار نیستند. بنابراین فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس در بین داده های مدل در سطح خطای ۰/۰۵ تأیید می شود و به همین دلیل می توان از مدل رگرسیون OLS استفاده نمود. همچنین در آزمون هم خطی میان متغیرهای مستقل، مشکل همبستگی اساسی میان متغیرهای مستقل مشاهده نشد.

فرآیند انتخاب نوع مدل

آزمون چاو

به منظور گزینش یکی از روش های داده های پانلی یا داده های یکپارچه، از آزمون چاو استفاده شده است. نتایج آزمون چاو به شرح نگراره زیر است.

نگاره (۲): نتایج آزمون چاو (همسانی عرض از مبداءهای شرکت)

آزمون اثرات ثابت مقطعی			
مقدار احتمال	آماره	آزمون اثرات	
۰/۰۰۰	۳/۳۳۴	مقطعی F	مدل (۱)
۰/۰۰۷	۴۵/۵۵۸	چی - اسکوار مقطعی	
۰/۰۰۰	۱/۵۰۶	مقطعی F	مدل (۲)
۰/۰۰۱	۱۳/۷۳	چی - اسکوار مقطعی	
۰/۰۰۰	۴۶/۸۲	مقطعی F	مدل (۳)
۰/۰۰۰	۱۲/۶۸	چی - اسکوار مقطعی	

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون چاو، روش داده های پانلی مناسب تر است. پس از انتخاب روش پانل به وسیله آزمون چاو، از آزمون هاسمن جهت انتخاب بین روش های اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده گردید. نتایج آزمون هاسمن به شرح نگراره زیر است.

نگاره (۳): نتایج آزمون هاسمن

آزمون هاسمن - اثرات تصادفی		
مقدار احتمال	آماره چی - اسکوار	خلاصه آزمون
۰/۰۰۰	۳۱/۱۳	مدل (۱)
۰/۰۰۰	۳/۴۳	مدل (۲)
۰/۰۰۰۳	۰/۴۸۳	مدل (۳)

مقدار احتمال آزمون هاسمن برای همه مدل‌ها نشان می‌دهد که مدل با اثرات ثابت مناسب است.

یافته‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، ابتدا آمار توصیفی متغیرهای تحقیق در نگاره (۴) ارائه و سپس داده‌های مربوطه برای دوره زمانی (۸۹-۹۳) با استفاده از مدل‌های رگرسیونی مورد آزمون قرار گرفت.

نگاره (۴): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر/آماره	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
Log (SGA/SGA-1)	۰/۰۹۷	۰/۰۸۰	۱/۳۹	-۱/۲۳	۰/۲۰۲
Log (Revt/Revt-1)	۰/۰۸۹	۰/۰۸۰	۰/۶۸	-۰/۴۰۰	۰/۱۳۱
DUM	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۸۸
EM	۰/۰۲۵	۰/۰۱۶	۰/۳۶۵	-۰/۴۶۲	۰/۱۲۸
CAPR	۰/۳۲۳	۰/۲۰۰	۲/۷۰	۰/۰۰۰	۰/۳۸۱
QTOBIN	۱/۸۴	۱/۵۶	۶/۶۴	۰/۳۰۰	۱/۱۰۱
FACT1	۴۳/۰۵	۵۱/۶	۹۷/۰	۰/۰۰۰	۳۲/۱۲
FACT2	۰/۴۶	۰/۵۰	۰/۸۰	۰/۰۰۰	۰/۱۹۲
FACT3	۳۸/۱۳	۲۴/۰۳	۹۹/۹۳	۰/۰۰۰	۳۳/۸۳
FACT4	۶/۰۰۴	۶/۰۰	۷/۰۰	۰/۳۰۰	۰/۵۲
FACT5	۰/۰۱۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۲۲
تعداد نمونه	۹۲	۹۲	۹۲	۹۲	۹۲
تعداد مشاهدات	۴۶۰	۴۶۰	۴۶۰	۴۶۰	۴۶۰

مدیریت سود افزایشی، حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه

نتایج مندرج در نگاره (۵) سطح معنی داری را برابر با ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد، بنابراین این مدل با احتمال ۹۵٪ معنی دار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. همچنین ضریب تعیین این مدل تقریباً ۰/۵۹ است. این عدد نشان می‌دهد که ۵۹ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مذکور قابل تبیین است و از آنجائی که آماره دورین- واتسون این مدل نزدیک به ۲ است (۱/۹۳)، می‌توان گفت که در این مدل خودهمبستگی مرتبه اول وجود ندارد. سطح معنی داری محاسبه شده برای متغیر مستقل $\text{Log (Rev/Rev-1) * EM * DUM}$ کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده متغیر (۲/۳۶۶-) و منفی می‌باشد. در نتیجه این متغیر با متغیر وابسته ارتباط معکوس و معناداری دارد و حاکی از تأیید فرضیه اول می‌باشد. به عبارت دیگر، مدیریت سود افزایشی به طور بارزی چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهد.

نگاره (۵): نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: $\log\left(\frac{SGA}{SGAtt-1}\right)$				
متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	۰/۰۸۶	۰/۰۰۱	۵۹/۶۲	۰/۰۰۰
Log (Rev/Rev-1)	۰/۲۲۵	۰/۰۰۹	۲۴/۴۷	۰/۰۰۰
D*Log (Rev/Rev-1)	۰/۰۸۷	۰/۰۴۷	۱/۸۵۷	۰/۰۰۶
$\text{D* EM*Log (Rev/Rev-1)}$	-۲/۳۶۶	۰/۱۵۴	-۱۵/۲۷	۰/۰۰۰
$\text{D*CA*Log (Rev/Rev-1)}$	۳/۳۹۸	۰/۱۶۳	۲۰/۷۴۹	۰/۰۰۰
$\text{D*Q*Log (Rev/Rev-1)}$	-۰/۱۲۲	۰/۰۱۴	-۸/۶۶	۰/۰۰۰
ضریب تعیین ۰/۵۹۵		ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۵۹۴		
آماره دورین واتسون ۱/۹۳		آماره F ۵۴۷/۶۱		احتمال آماره F ۰/۰۰۰

همانگونه که نتایج مندرج در نگاره (۶) نشان می‌دهد، از بین متغیرهای حاکمیت شرکتی، سطح معناداری محاسبه شده متغیرهای تمرکز مالکیت، درصد مدیران غیر موظف، سهامداران نهادی و تعداد اعضای هیات مدیره کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده آنها منفی و معنادار می‌باشد، اما بین متغیر تفکیک مدیر عامل و متغیر وابسته رابطه معناداری یافت نشد. همچنین ضریب تعیین این مدل تقریباً ۰/۳۰ است. این عدد نشان می‌دهد که ۳۰ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مذکور قابل تبیین است و از آنجائیکه آماره

فصلنامه پژوهش حسابداری، سال هفتم، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۹۶

دوربین- واتسون این مدل نزدیک به ۲ است (۱/۹۷)، می توان گفت که مشکل خودهمبستگی بین باقیمانده های مدل وجود ندارد. به علاوه سطح معنی داری آزمون F کوچکتر از ۵ درصد است و از آنجائیکه، آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می دهد در نتیجه این مدل با احتمال ۹۵٪ معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

نگاره (۶): نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر وابسته: $\log\left(\frac{SGA}{SGAtt-1}\right)$				
متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
عرض از مبدا	۰/۰۸۵	۰/۰۰۱	۶۰/۲۱	۰/۰۰۰
Log (Rev/Rev-1)	۰/۲۲۱	۰/۰۰۹	۲۴/۵۲	۰/۰۰۰
D*Log (Rev/Rev-1)	-۹/۰۷۸	۰/۳۶۹	-۲۴/۵۸	۰/۰۰۰
D* F1*Log (Rev/Rev-1)	-۰/۰۲۳	۰/۰۰۱	-۱۱/۷۶	۰/۰۰۰
D* F2*Log (Rev/Rev-1)	-۰/۴۱۴	۰/۱۳۶	-۳/۰۲۹	۰/۰۰۲۵
D* F3*Log (Rev/Rev-1)	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	-۲/۹۷۷	۰/۰۰۲۹
D* F4*Log (Rev/Rev-1)	-۱/۴۲۲	۰/۰۵۳	-۲۶/۴۶	۰/۰۰۰
D* F5*Log (Rev/Rev-1)	۰/۰۶۹	۰/۱۲۰	۰/۵۷۳	۰/۵۶۶
D*CA*Log (Rev/Rev-1)	۳/۶۷	۰/۱۶۰	۲۲/۸۴	۰/۰۰۰
D*Q*Log (Rev/Rev-1)	-۰/۴۵	۰/۰۱۶۱	-۲۷/۹۵	۰/۰۰۰
ضریب تعیین ۰/۳۰		ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۹		
آماره دوربین واتسون ۱/۹۷		آماره F ۴۱۶/۰۹		احتمال آماره F ۰/۰۰۰

همانگونه که نتایج مندرج در نگاره (۷) نشان می دهد، مقدار سطح معنی داری برابر با ۰/۰۰۰ است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. میزان ضریب تعیین برابر با ۰/۳۱ محاسبه شده است به این معنا که حدود ۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می شود. مقدار آماره دوربین- واتسون برابر با ۲/۰۱ است و نشان می دهد که مشکل خود همبستگی بین جملات باقی مانده وجود ندارد. سطح معناداری برای متغیرهای حاکمیت شرکتی (β_3 تا β_7)، کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده آنها منفی می باشد. به عبارت دیگر، اثر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود افزایشی منجر به کاهش چسبندگی هزینه می شود و فرضیه سوم تأیید می گردد.

مدیریت سود افزایشی، حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه

نگاره (۷): نتایج آزمون فرضیه سوم

متغیر وابسته: $\log\left(\frac{SGA}{SGAtt-1}\right)$				
متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	۰/۰۸۳	۰/۰۰۱	۴۸/۹۵	۰/۰۰۰
Log (Revt/Revt-1)	۰/۲۲۷	۰/۰۱۰	۲۰/۹۳	۰/۰۰۰
D*Log (Revt/Revt-1)	۰/۰۱۲	۰/۰۵۹	۰/۲۰۷	۰/۰۳۵
D*EM* F1*Log (Revt/Revt-1)	-۰/۲۲۰	۰/۰۱۶	-۱۳/۱۲	۰/۰۰۰
D*EM* F2*Log (Revt/Revt-1)	-۲/۱۷	۱/۱۵۹	-۱/۸۷۶	۰/۰۴۰۴
D*EM* F3*Log (Revt/Revt-1)	-۰/۳۴	۰/۰۱۹	-۱۷/۸۸	۰/۰۰۰
D*EM* F4*Log (Revt/Revt-1)	-۳/۴۳	۰/۲۸۴	-۱۲/۰۵۰	۰/۰۰۰
D*EM* F5*Log (Revt/Revt-1)	-۰/۷۰۹	۲/۷۸۹	-۰/۲۵۴	۰/۰۰۰۳
D*CA*Log (Revt/Revt-1)	۴/۶۵۳	۰/۲۰۵	۲۲/۶۳	۰/۰۰۰۰
D*Q*Log (Revt/Revt-1)	-۰/۱۸۴	۰/۰۱۹	-۹/۶۲۸	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین ۰/۳۱۵		ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۳۱۲		
آماره دورین واتسون ۲/۰۱		آماره F ۲۵۸/۵۸		
		احتمال آماره F ۰/۰۰۰		

نتیجه گیری

در فرضیه اول بیان شد که مدیریت سود افزایشی به طور بارزی چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهد. نتایج حاصل از تجزی و تحلیل و برازش مدل نشان داد، سطح معناداری برای مدیریت سود افزایشی کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده آن متغیر (۲/۳۶۶) و منفی می‌باشد. در نتیجه می‌توان اظهار داشت که این متغیر با متغیر وابسته ارتباط معکوس و معناداری دارد و حاکی از تأیید فرضیه اول می‌باشد. به عبارت دیگر، مدیریت سود افزایشی به طور بارزی چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهد. نتیجه آزمون این فرضیه مشابه با نتیجه تحقیق کوو و همکاران (۲۰۱۵) و زیو و یانگ (۲۰۱۵) است که دریافته‌اند مدیریت سود افزایشی، چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهد.

فرضیه دوم بیان می‌دارد که حاکمیت شرکتی به طور قابل توجهی چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهد. نتایج نشان داد، از بین متغیرهای حاکمیت شرکتی، سطح معناداری محاسبه شده

متغیرهای تمرکز مالکیت، درصد مدیران غیر موظف، سهامداران نهادی و تعداد اعضای هیات مدیره کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده آنها منفی و معنادار می‌باشد، اما برای متغیر تفکیک مدیر عامل و متغیر وابسته رابطه معناداری یافت نشد. نتایج این فرضیه همسو با تحقیق شویی و لیجون (۲۰۱۱) و چن و همکاران (۲۰۰۸) است که دریافتند حاکمیت شرکتی می‌تواند چسبندگی هزینه را کاهش دهد.

فرضیه سوم بیان می‌دارد که اثر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود افزایشی منجر به کاهش چسبندگی هزینه می‌شود. برای آزمون فرضیه سوم تحقیق متغیر مدیریت سود به مدل (۲) اضافه شد و تأثیر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود سنجیده شد. سطح معناداری محاسبه شده برای متغیرهای حاکمیت شرکتی، کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده آنها منفی می‌باشد. به عبارت دیگر، اثر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود افزایشی منجر به کاهش چسبندگی هزینه می‌شود. بنابراین فرضیه سوم تأیید می‌شود. نتایج این فرضیه همسو با تحقیق زیو و یانگ (۲۰۱۵) است که نشان دادند، مدیریت سود افزایشی در مقایسه با حاکمیت شرکتی تأثیر بیشتری در کاهش چسبندگی هزینه می‌گذارد.

بطور کلی نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رفتارهای هزینه، تحت تأثیر سیاست‌های مدیریت در انتخاب رویه‌های حسابداری و همچنین استقرار سیستم حاکمیت شرکتی قرار می‌گیرد. مدیران به طور جسورانه‌ای به منظور مدیریت سود، هزینه‌ها را کاهش می‌دهند و شاید خود را برای زمان‌های بدی که با کاهش فروش مواجه می‌شوند، آماده می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که مدیریت سود در مقایسه با حاکمیت شرکتی تأثیر بیشتری بر کاهش چسبندگی هزینه می‌گذارد. این موضوع تداعی کننده این مطلب است که مدیریت سود صورت گرفته توسط مدیران اثر مستقیمی بر تصمیمات مربوط به هزینه‌های جاری می‌گذارد، و این در حالی است که حاکمیت شرکتی دارای اثر غیر مستقیم می‌باشد، زیرا حاکمیت شرکتی سازوکاری است تا فرصت طلبی مدیریت محدود گردد. به عبارت دیگر با توجه به اینکه مدیریت سود افزایشی برای مدیران فشار مضاعفی ایجاد می‌کند، بنابراین آنها سعی می‌کنند به منظور توسعه طولانی مدت شرکت، هزینه‌ها را از طرق مختلف کاهش دهند.

پیشنهاد کاربردی تحقیق

با توجه به نتایج تحقیق حاضر به نهادهای تدوین کننده مقررات از جمله سازمان بورس پیشنهاد می شود که در تدوین مقررات و آیین نامه های مربوطه، به تقویت سازوکارهای راهبری شرکتی توجه نمایند تا از این طریق اثرات منفی چسبندگی هزینه کاهش یافته و منافع سهامداران تامین شود.

پیشنهاد برای تحقیق های آتی

- ۱- سایر مدل ها جهت عملیاتی کردن متغیر میزان چسبندگی هزینه و بررسی ارتباط آن با حاکمیت شرکتی بررسی شود.
- ۲- تأثیر سایر انگیزه های مدیران در بروز چسبندگی هزینه ها مطالعه شود.
- ۳- سایر عوامل تعیین کننده میزان چسبندگی هزینه از جمله کارایی کارکنان، رشد اقتصادی، خصوصیات صنعت، میزان تغییر در فعالیت، استفاده از ظرفیت موجود، ویژگی های بازار کار، شرایط آب و هوایی، نوسانات بازار و ماهیت منابع بررسی شود.

منابع

- Anderson, M. C. , Banker, R. , & Janakiraman, S. (2003). Are Selling, General and Administrative Costs Sticky ?. *Journal of Accounting Research*, 41 (1): 47- 63.
- Chen C. X, Lu H. , Sougiannis T. (2008). Managerial empire building, corporate governance, and the asymmetrical behavior of selling, general, and administrative costs. Working paper, University of Illinois at Urbana Champaign; 2008.
- Horngren, C. T. , Foster, G. , & Datar, S. M. (2006). *Cost Accounting: A Managerial Emphasis*. Upper saddle River, NJ: Prentice Hall.
- Jabbarzadeh kangarluei, S. , Motavassel, M. , & Rahimzadeh Khazaei, A. (2014). Agency Problem, Corporate Governance Mechanisms and Cost Stickiness in Firms Listed in Tehran Stock Exchange. *journal financial management strategy*, 3 (10): 79- 103. (in persian)
- Ji, X. D. , Ahmed, K. , & Lu, W. (2015). The impact of corporate governance and ownership structure reforms on earnings quality in China, *International Journal of Accounting & Information Management*, 23 (2): 169 ° 198.
- Koo, J. H. , Song, S. , & Paik, T. Y. (2015). Earning management and cost Stickiness. *Advanced Science and Technology Letters*, 84: 40-44.

- Khodadadi, V. , Nickar, J. , & Hajizadeh, S. (2015). The Effect of sticky cost Behavior and Conditional Conservatism on Analysis of Cost, Volume and Profit. *Journal of Accounting Advances*, 7 (1) 49- 76. (in persian)
- Kordestani, GH. , & Mortazavi, M. (2012). Recognizing Factors of sticky cost. *journal financial Accounting*, 3, 13- 32. (in persian)
- Latridis, G. E. (2015). Corporate philanthropy in the US stock market: Evidence on corporate governance, value relevance and earnings manipulation. *Emerging Markets Review*, 23, 83-105.
- Lin, Z. J. & M. Liu. (2009). The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice: Evidence from China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*. pp. 44-59.
- Shan, Y. G. (2015). Value relevance, earnings management and corporate governance in China. *Emerging Markets Review*, 23: 186-207.
- Shouyi, W. & Lijun, W. (2011). Managerial Self-interest, Board Governance and Cost Stickiness, Accounting School, Dongbei University of Finance and Economics, Dalian, China.
- Safarzadeh, M. H. (2015). role of corporate governance mechanisms on sticky cost behavior. *journal financial Accounting*, 6 (23) 1- 21. (in persian)
- Venieris, G. & Naoum, V. C. (2015). Organisation capital and sticky behaviour of selling, general and administrative expenses, Athens University of Economics and Business, 76 Patission Str. , Athens, Greece.
- Weiss, D. (2010). Cost behavior and analysts earning forecasts. *The Accounting Review*, 85 (4): 1441-1471.
- Xue, S. & Hong, Y.(2015.)Earnings management, corporate governance and expense stickiness. *China Journal of Accounting Research*, 41: 47-63.
- Ying Xu, L. wang, F. J & Hu, Y. (2014). Empirical Research of costs strickiness Behavior in chines Manufacturing listed Firms. *Management school xi an jiaotong university china*, 19 (2): 179 ° 211.
- Zanjirdar, M. , Ghaffari, P. , & Maddahi, A. (2013). Review and analyze the factors affecting the behavior of sticky costs. *Journal of Management Accounting*, 20: 13- 31. (in persian)
- Zimmerman, J. L. (2009). Accounting for Decision Making and Control. Mc Graw Hill International Edition.